

دولت افغانستان و ظرفیت استفاده از فرصت ها محمد اکرام اندیشمند

گفته می شود که امریکا برای نیم قرن تا 2050 میلادی در افغانستان حضور نظامی خواهد داشت و در این مدت دولت افغانستان از حمایت نظامی و مالی امریکایی ها بر خوردار خواهد بود. اگر چنین باشد، آیا در 2050، دولت افغانستان خواهد توانست تا جایگاه خود را از میان فاسد ترین دولت های روی زمین به دولت سالم، پاسخگو و یک دولت مقتدر ملی مدرن تعویض کند؟

آیا افغانستان تا 2050 که از حمایت نظامی و مالی امریکا برخوردار است از شر دخالت پاکستان نجات خواهد یافت و به صلح و ثبات خواهد رسید؟ افغانستان هنوز پس از یک و نیم دهه حمایت نظامی و مالی امریکا و جهان غرب با هزینه ده ها میلیارد دلار در برزخ بهشت ثبات و صلح و جهنم بی ثباتی و جنگ دست و پا می زند. آنچه که در طول این همه سال ها در تمام عرصه های حیات افغانستان در سایه حمایت امریکا و غرب انجام یافت، بستر و زمینه هایی است که آینده این کشور بروی آن شکل می گیرد؛ نه آنکه معیاری برای مقایسه با گذشته دوران طالبان یا قبل از آن باشد تا با این مقایسه، یک استنباط و تلقی غلط از موفقیت بزرگ و بی سابقه ایجاد شود.

آیا آنچه که انجام یافت، متضمن فردای افغانستان آرام، آباد و مقتدر است؟ هنوز پس از حدود یک و نیم دهه حمایت گسترده نظامی و مالی امریکا و غرب و جامعه بین المللی، افغانستان دارای سومین دولت فاسد روی زمین است. مافیای قدرت و ثروت همچنان، سلامت، عدالت و توسعه اجتماعی و اقتصادی را در انحصار و گروگان خود دارد. وابستگی مالی و اقتصادی افغانستان به کمک خارجی ها نه تنها کاهش نیافته که بر عکس افزایش یافته است. در حالی که زیر ساخت های اقتصادی کشور با سرازیر شدن سیل وار ده ها میلیارد دلار، باز سازی و نوسازی نشد، بر عکس رشد اقتصادی و میزان سرمایه گذاری در سال های اخیر سیر نزولی یافت. به حدی که میزان سرمایه گذاری در سال 2015 میلادی در مقایسه با سال 2014 سی در صد کاهش داشته است و در سال روان نیز نشانی از توقف این کاهش به نظر نمی رسد.

پاکستان کماکان در عقب جنگ و بی ثبات سازی افغانستان ایستاده است و از طالبان و تمام گروه های تروریستی و غیر مدنی حمایت می کند. استراتژی مناسبات با پاکستان که باید در گام نخست به گفتمان ملی میان مردم، جامعه و دولت مبدل می شد تا توافق ملی بر سر این مناسبات شکل می گرفت، تدوین نشده و تصویب نیافته باقی مانده است.

اگر این یک و نیم دهه حضور و حمایت امریکا و متحدین غربی اش در افغانستان یک فرصت مهم در جهت رفتن بسوی ثبات و توسعه بود که بیشتر به هدر رفت، آیا ظرفیت بهره گیری از فرصت های باقی مانده از کمک و حمایت خارجی ها در این جهت ایجاد می شود؟ وقتی جورج مارشال وزیر خارجه امریکا استراتژی بازسازی اروپا را پس از جنگ جهانی دوم تدوین کرد و کمک امریکایی ها در جهت باز سازی و

نوسازی خرابه های بازمانده از جنگ آغاز شد، یک دهقان هالندی گفت: «کلاه خود را به رسم سپاس به مارشال از سر پایین می آوریم، اما آستین ها را باید برای کار و ساختن وطن خود بالا کنیم.»

آیا در افغانستان تفکر "بالا زدن آستین ها" به عنوان یک استراتژی در مفهوم وسیع و همه جانبه آن در جهت ایجاد یک دولت سالم، پاسخگو، قانونمدار و عدالت گستر ملی در سر لوحه افکار و رفتار دولت و دولتمداران قرار خواهد گرفت؟

کمک های خارجی هر قدر که بزرگ و گسترده هم باشد برای ثبات و توسعه عرصه های مختلف حیات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کافی نیست. وقتی دولت افغانستان و هر دولت دیگر کمک گیرنده و وابسته به کمک های خارجی و بین المللی ظرفیت جذب و استفاده از کمک ها را در جهت ثبات و توسعه پایدار نداشته باشد، کمک ها به جای ثبات، فساد و بی ثباتی بیشتر می آورد.

ایجاد ثبات و توسعه پایدار همراه با عدالت اجتماعی و تحکیم پایه های یک دولت ملی مدرن در افغانستان وظیفه امریکایی ها و خارجی های دیگر نیست. این کمک ها فرصت بسیار عظیمی را برای دولت و دولتمداران افغانستان مساعد می کند تا از این فرصت در جهت ثبات، توسعه، عدالت و اقتدار کشور خود بهره گیرند. اگر دولت و زمام داران کشور ما که تا حالا نتوانسته اند از این فرصت ها سود ببرند و ظرفیت استفاده بهتر و بیشتر از این کمک ها را در سیاست و عملکرد خود ایجاد کنند، هم چنان این فرصت را از دست بدهند، حضور و حمایت امریکا تا سال های طولانی دیگر نیز به ثبات، توسعه و عدالت در افغانستان نمی انجامد.